

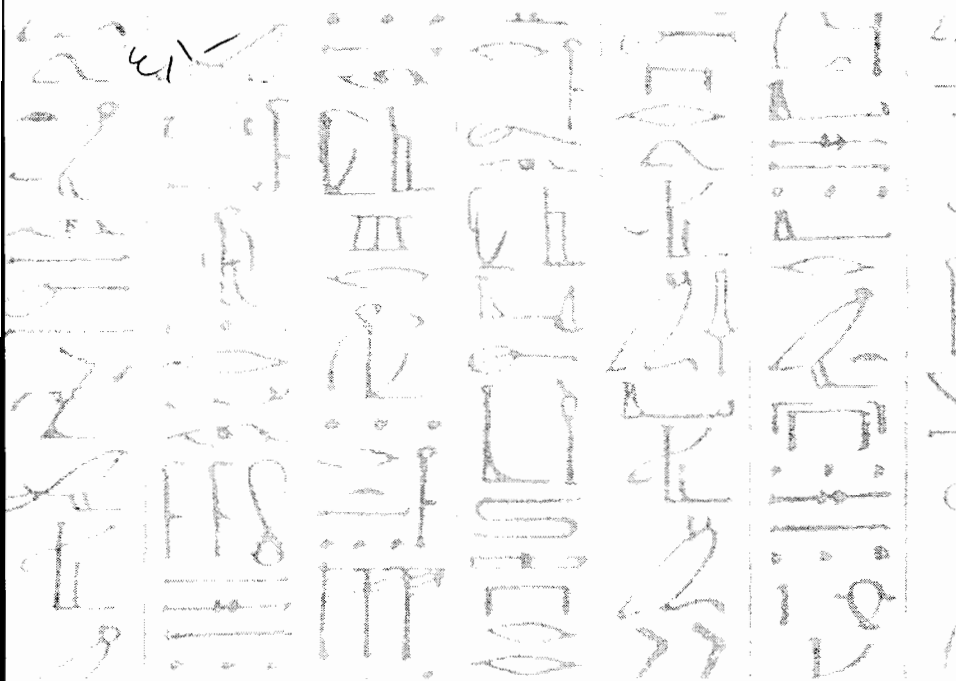
سیر تحول خط
KHvT
عمومی فارسی
دوران پس از اسلام



کازم استادی 
سجود ۱۴۱۶







سیر تحول خط عمومی فارسی در ایران پس از اسلام

شامل

گزیده رساله‌ای پر ارج از دکتر قاسم توپسرکانی (م ۱۳۷۲ش)

کاظم استادی



سیر تحول خط عمومی فارسی در ایران پس از اسلام

کاظم استادی

چاپ اول، ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

لینوگرافی: کوثر

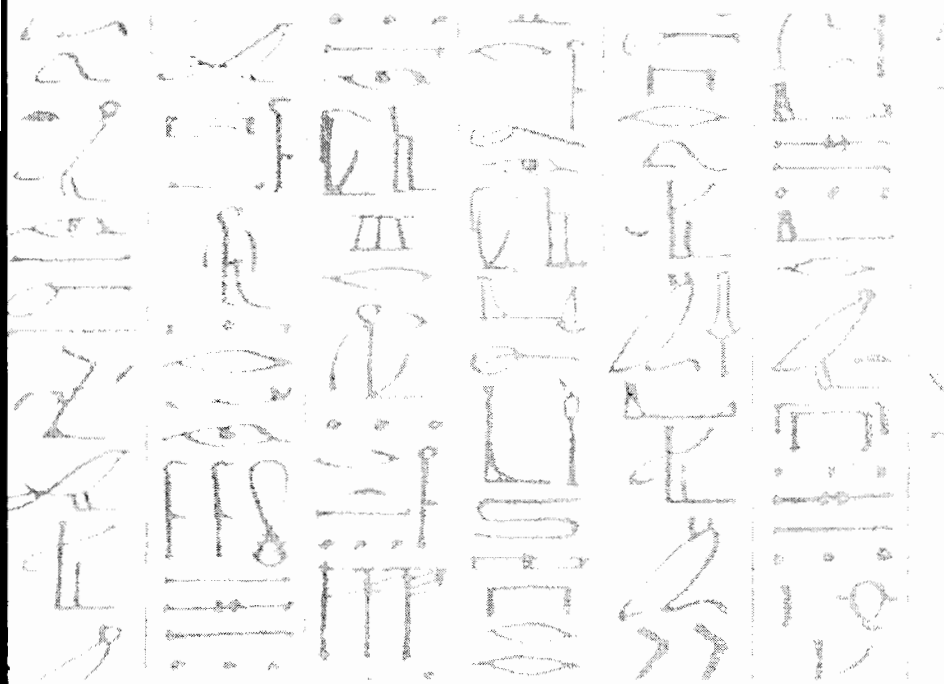
چاپ: مهارت

مرکز بخش علم: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، شهدای ژاندارمری،

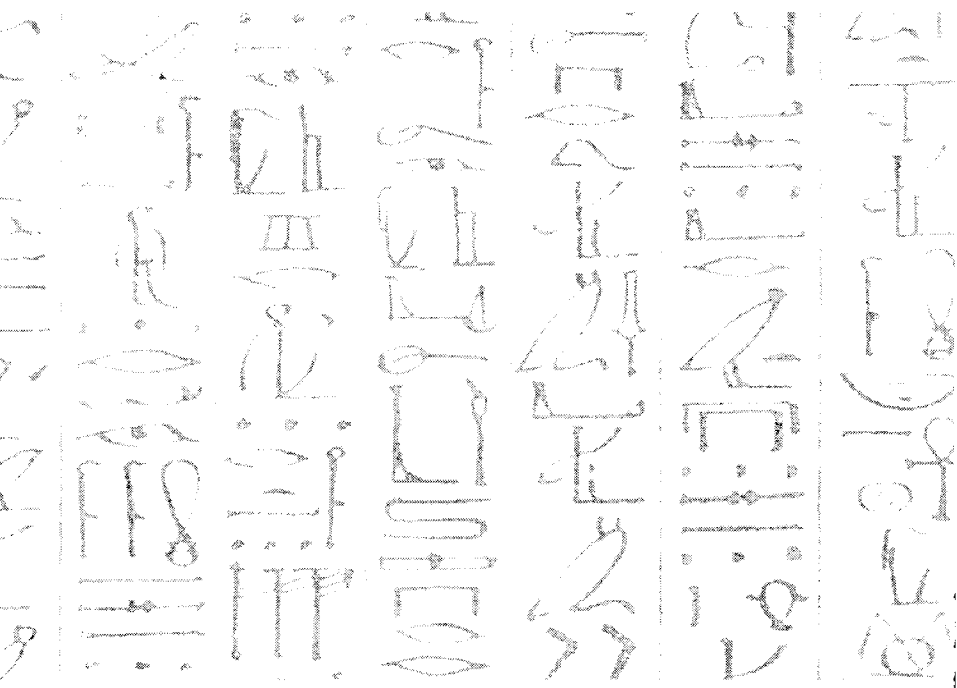
بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۴۳۷-۹



بسم الله الرحمن الرحيم



فهرست

پیشگفتار / ۹

بخش اول:

سیر تحول خط عربی در میان ایرانیان از قرن اول تا انتهای خلافت عباسیان / ۱۵

فصل اول: از سقوط ساسانیان تا آغاز فرمانروایان مستقل ایرانی / ۱۹

دوره یکم: از سقوط ساسانیان تا سقوط امویان

گفتار اول: گردانیدن خط دیوان از فارسی به عربی / ۲۴

چگونگی این تبدیل / ۲۵

گفتار دوم: زبان و خط عربی در سکه‌ها / ۲۶

فزایش عربی در سکه‌ها / ۲۶

نام امیران عربی بر سکه‌ها / ۲۷

نام خلیفگان بر سکه‌ها / ۲۷

نخستین سکه تمام عربی / ۲۸

نخستین سکه تمام اسلامی / ۲۸

دیر پاییدن سنت در سکه‌ها / ۲۸

خط عربی در میان ایرانیان / ۲۹

دوره دوم: از خلافت عباسیان تا فرمانروایان مستقل ایرانی

زبان و خط عربی در سکه‌ها / ۳۲

سکه‌های طاهریان / ۳۲

سکه‌های تبرستان / ۳۲

سکه‌های بخار / ۳۳

خط عربی به جای پهلوی / ۳۴

کوفی و نسخ / ۳۴

فصل دوم: دوران حکومت‌های مستقل ایرانی / ۳۵

دوره یکم: از صفاریان تا آغاز سلجوقیان / ۳۹

گفتار یکم: خط عربی در قلمرو شهریاران خراسان و سیستان / ۴۰

خط و دیوان رسالت و زبان عربی در دربار و قلمرو صفاریان / ۴۰

نوشته‌های عربی بر سکه‌ها / ۴۲

خط و دیوان رسالت و زبان عربی در دربار و قلمرو سامانیان / ۴۲

زبان ادبی دربار / ۴۳

زبان علمی در قلمرو سامانیان / ۴۳

نوشته‌های عربی بر سکه‌ها / ۴۴

خط و دیوان رسالت و زبان عربی در دربار و قلمرو غزنویان / ۴۵

دیوان رسالت و زبان فارسی / ۴۵

دوزبانگی دیوان / ۴۶

زبان علمی در قلمرو غزنویان / ۴۶

عربی در سکه‌ها / ۴۶

زبان عربی در مکتبها / ۴۷

خط و دیوان رسالت و زبان عربی در دربار و قلمرو وشمگیر / ۴۷

دیوان قابوس و زبان عربی / ۴۸

دو زبانگی قابوس و دربار وی / ۴۸

نوشته‌های عربی بر سکه‌ها / ۴۹

خط و دیوان رسالت و زبان عربی در دربار و قلمرو بویه‌یان / ۴۹

عربی نویسی در قلمرو بویه‌یان / ۵۰

زبان علمی در قلمرو بویه‌یان / ۵۱

کتاب علمی به فارسی / ۵۱

نوشته‌های عربی بر سکه‌ها / ۵۲

خط و دیوان رسالت در دربار شهریاران آذربایجان و آران و ارمنستان / ۵۲

گفتار دوم: شیفتگی دانشمندان ایرانی این دوران به زبان و خط

عربی و عرب دوستی آنان / ۵۴

برتر شناختن زبان عربی / ۵۴

گفتار سوم: درآمیختگی عربی با پارسی / ۵۶

عربی در شعر فارسی / ۵۶

عربی در نثر فارسی / ۵۷

گفتار چهارم: زبان و خط عربی در نوشته‌های تزئینی / ۶۲

نوشته‌های تاریخی / ۶۲

نوشته‌های ظرفها به عربی / ۶۲

نوشته‌های ظرفها در قلمرو دیلمیان / ۶۳

نوشته‌های جامه‌ها / ۶۴

عربی در سنگ قبرها / ۶۴

دوره دوم: از سلجوقیان تا سقوط خلافت بغداد / ۶۵

گفتار یکم: خط و دیوان در دربار و قلمرو این پادشاهان / ۶۶

خط و دیوان و زبان عربی در قلمرو سلجوقیان ایران / ۶۶

دیوان در زمان نظام الملک / ۶۶

مرادف بودن دبیری با عربی نویسی / ۶۸

فارسی شدن دیوان / ۶۸

بی‌ارجی دبیری عربی در دیوان / ۶۸

عربی بر سکه‌های سلجوقیان / ۶۹

خط و دیوان و زبان عربی در قلمرو خوارزمشاهان / ۷۰

فارسی شدن دیوان رسالت / ۷۰

زبان ادبی دربار / ۷۱

فارسی شدن نامه‌های خصوصی / ۷۱

عربی بر سکه‌های خوارزمشاهان / ۷۲

سخن پایانی بر این دوره / ۷۲

خط عربی در سکه‌های غزنویان دوم / ۷۳

گفتار دوم: خط عربی در نوشته‌های تزئینی و یادبودها / ۷۴

نوشته‌های عربی بر ساختمانها / ۷۴

نوشته‌های فارسی بر ساختمانها / ۷۵

نوشته‌های عربی بر ظرفها / ۷۶

عربی بر جامه‌ها / ۷۷

عربی بر سنگ قبرها / ۷۷

گفتار سوم: کتابهای فارسی در این دوران / ۷۸

ارزشیابی کتابهای فارسی / ۷۸

کتابهای معتبر پزشکی به فارسی / ۷۹

کتابها و مقاله‌های فارسی در دانشهای ادبی / ۷۹

لغتنامه‌های عربی به فارسی / ۸۰

لغتنامه فارسی به فارسی / ۸۱

نوشتن کتاب در مثل / ۸۲

نوشتن کتاب دستوری / ۸۲

علوم بلاغت به فارسی / ۸۳

قاعده‌های شعر فارسی / ۸۴

دیوان نامه‌های فارسی / ۸۵

دوزبانگی در کتابهای ادب / ۸۵

فارسی در رشته‌های تاریخ / ۸۶

گفتار چهارم: زبان و خط عربی در دانشهای اشرافی و توده‌یی / ۸۸

عربی و فارسی در کتابهای صوفیان / ۸۹

فارسی در داستانهای ادبی / ۹۱

فارسی در داستانهای عامیانه / ۹۲

فارسی و عربی در کتابهای سیاست و آیین زندگی / ۹۲

فارسی در نامه‌های علمی و عرفانی / ۹۲

گفتار پنجم: برتری‌نهادن زبان عربی بر فارسی در دانش و دین / ۹۴

پوزش از فارسی نویسی / ۹۴

نظر سخن‌سنان و نویسندگان فارسی درباره سره‌نویسی / ۹۷

نکوهش سره‌نویسی در کتاب / ۹۷

نکوهش سره‌نویسی در نامه / ۹۸

سبب بیزاری از سره‌نویسی / ۹۸

سره‌گویی در شعر / ۹۹

بخش دوم:

گاهشمار شمسی خط فارسی در ایران از قرن اول تا کنون / ۱۰۱

بخش سوم:

نمونه‌هایی از خط عمومی در ایران از قرن پنجم تاکنون / ۱۳۵

منابع / ۱۷۹

فهرست اعلام / ۱۸۱



پیشگفتار

از قرن اول هجری تا قرن سوم، هیچ کتاب نوشته‌ای، بجز کتاب قرآن کریم و یا برگ‌هایی از این مصحف شریف، در ایران و اسلام، بر جای نمانده است. اولین نسخه خطی به جای مانده از صدر اسلام، مربوط به قرن سوم هجری و به زبان عربی می‌باشد، البته اصل این نسخه نیز در ایران موجود نیست.

پس از ورود اعراب مسلمان به ایران، در زمانی نسبتاً کوتاه، خط پهلوی که در آن زمان خط نوشتاری اکثر مناطق ایران بود، از کاربرد عمومی ساقط شد. و حتی تا چند قرن خط یا زبان نوشتاری مردم ایران، زبان و خط عربی گشت و مردم ایران به زبان فارسی چیزی نمی‌نوشتند، مگر در گوشه و کنار، و آن هم غیر قابل توجه.

در واقع و به طور رسمی و همه گیر، از اواسط قرن ششم زبان فارسی در نوشتارها، نمایان شد. و اگر بخواهد خط فارسی مورد بررسی واقع شود، باید بدانیم که خط فارسی کنونی، از قرن ششم آغاز شده است. و پیش از آن، فارسی‌نویسی اصلاً رایج نبوده است و همه نوشته‌ها به زبان عربی نگارش می‌شده است. خطوط فارسی قبل از این و برخی نوشته‌ها همانند شاهنامه فردوسی یا برخی کتابهای نادر

پیش‌تر از آن، به صورت استثنا به زبان فارسی نگاشته شده‌اند. و فارسی‌نویسی، در ایران عمومیت نداشته است.

سده ششم هجری قمری، آغاز خطاطی فارسی در ایران و سده نهم و دهم هجری قمری، اوج خطاطی کتابهای فارسی است. سده دوازدهم، با ورود حروفچینی سری به ایران، کاهش چشم‌گیری در خطاطی فارسی پدید آمد؛ حتی پس از آن، به مرور خطاطی کتاب، فقط به صورت تفتنی و تفریحی و تزینی به کار رفته است؛ به صورتی که اکنون، خطاطی کتابی، منسوخ شده است، مگر استثنائاتی غیر قابل توجه. جالب‌تر اینکه، حتی برای اکثر مردم ایران، خطوط خطاطی، خوانا یا حداقل به راحتی خوانا نیست. مگر متن‌های بسیار کوتاه و تیتروار.

خط فارسی عمومی مردم ایران، از زمان پیدایش خط نسخ (و گاهی نستعلیق) و کاربرد عمومی آن تا کنون، تغییر قابل ملاحظه و چشم‌گیری نکرده است. به طوری که اگر سیر خط‌های عمومی و رایج بین اکثر مردم ایران (و نه خطاطان حرفه‌ای) را در نوشته‌جات و کتابهای غیر تزینی، بررسی کنید خواهید دید که در حال حاضر ایران، خط فارسی همان است که هشتصد سال پیش بوده است، مگر در موارد خاص که برخی مردم بد خط‌اند یا بسیار خوشنویس.

سیر مطالبی که گذشت بسیار جالب و دانستن آنها در تحلیل وقایع تاریخی و غیر آن تأثیر گذار است. بسیار مناسب است تا پیرامون خط فارسی دانشنامه‌ای تنظیم شود؛ بنابراین، بنده چند سال است که مشغول تألیف «دانشنامه خط فارسی» هستم. اکنون، این کتاب در دوازده فصل و حدود شش الی ده جلد پانصد صفحه‌ای، آماده حروفچینی می‌باشد، به مناسبت فصلی از این کتاب، لازم بود تا گاهشماری پیرامون خط، تحول و تغییر خط تنظیم شود، بنابراین مقاله‌ای با زحمت زیاد فراهم نمودم، که در نشریه پیام بهارستان مجلس شورای اسلامی، منتشر شد.

بسیار مناسب دیدم که آن مقاله همراه با مقدمه ای مفصل و پیوست تصاویری، به صورت کتابی مستقل منتشر گردد. بنابراین کتاب حاضر، توسعه یافته همان مقاله می‌باشد، که در سه بخش تقدیم می‌گردد.

بخش اول کتاب؛ تلخیصی است از کتاب «زبان تازی در میان ایرانیان، پس از اسلام تا انتهای خلافت عباسیان»، تألیف جناب آقای دکتر قاسم تویسرکانی، که در ۴۹۱ صفحه وزیری، به سال ۱۳۵۰ ش در تهران توسط دانشسرای عالی منتشر شده است.

آنچه در این کتاب، مربوط به خط و نوشته بود، در این متن تلخیص شده و به عنوان مقدمه آن گاهشمار آمده است. البته در برخی موارد، تغییر الفاظ و حذفیاتی نیز داشته‌ایم. و همچنین فصل‌بندی و گاهی تیتراهای کتاب آقای تویسرکانی، تغییر و تحولاتی پیدا کرده‌اند، تا مناسب عنوان نوشتار جدید شوند.

در مجموع بخش اول کتاب حاضر، شاید خلاصه‌ای، شامل یک دهم آن کتاب باشد، که به علاقمندان این موضوع تقدیم می‌شود.

بخش دوم : گاهشمار خط فارسی، که اشاره‌ای به شرح وقوع آن گذشت. اما گفتن نکاتی پیرامون این گاهشمار ضروری است.

تنظیم گاهشمار برای موضوعات مختلف، یکی از لازم‌ترین و بهترین کارهای ممکن در آن موضوع است؛ چرا که توجه و خواندن گاهشمار، می‌تواند یک نمای بیرونی و اطلاعات کلی، از سیر تغییر و تحولات آن موضوع در اختیار ما قرار دهد. تا قدرت تجزیه و تحلیل انسان را در آن موضوع، آسان کند.

خواندن معلومات مختلف و پراکنده در یک موضوع، نمی‌تواند این ثمر را به همراه داشته باشد؛ زیرا که برای فهم بهتر و دقیق‌تر، لازم است به این اطلاعات درهم و غیر منسجم، دسته‌بندی شده نگاه کنیم، تا منتج به نتیجه مناسب و مطلوب گردد. گاهی، نگاهی گذرا به یک گاهشمار، بسیاری از چرایی‌های ذهن انسان را پیرامون یک موضوع، پاسخگو است. و در کمترین زمان ممکن، فرد می‌تواند به راحتی بسیاری از اسرار مرموز و گنگ یک موضوع را پی‌برد.

موضوع این مقاله، «گاهشمار خط فارسی» از قرن اول هجری تا کنون است. البته این مقاله، سعی ندارد تا پیرامون مزایای تغییر خط فارسی و یا معایب آن، سخن بگوید. و یا در رد آن قدمی بردارد. بلکه تلاش دارد تا شما را با یک نمای کلی از

تاریخچه خط فارسی و فعالیت‌های گذشتگان در این باره آشنا کند؛ و با مطالعه این گاهشمار، شما بتوانید به جواب بسیاری از سؤالات ذهنی خود برسید؛ بی‌آنکه در اثبات و یا ردّ تغییر خط فارسی، سخنی رفته باشد.

ضروری است، پیش از مطالعه گاهشمار، این نکته دقت شود که تاریخ وقایع این گاهشمار، بر اساس مبدأ هجری شمسی تنظیم شده است. اکثر تاریخ‌ها، بسیار دقیق‌اند؛ اما از آنجایی که در تبدیل تاریخ قمری به شمسی، جدای از پیچیدگی‌های تفاوت این دو شیوه، ماه‌های این وقایع نیز تأثیر گذارند، بنابراین ممکن است برخی سال‌های ذکر شده در این مقاله، با یک سال پس و پیش، واقعیت پیدا کنند. و برخی نیز که نشان دهنده دوره خاصی می‌باشند، تاریخ حدودی آن دوره یا واقعه ذکر شده است.

نکته بسیار مهم دیگر اینکه؛ همانطور که شاید بدانید، تا سال ۱۳۰۴ هـ ش همه تاریخ‌ها در ایران هجری قمری بوده است و با تصویب مجلس شورای ملی، مبنای تاریخ ایران از آن موقع، به هجری شمسی، تغییر پیدا کرد. بنابراین، بیشتر تاریخ‌های موجود در این گاهشمار از هجری قمری، به هجری شمسی تبدیل شده است. اما متأسفانه، آثاری که ما بین تاریخ ۱۳۰۴ تا ۱۳۴۳ می‌باشند و در تاریخ آنها قید صریح قمری یا شمسی نشده است، قابلیت تشخیص مبدأ قمری یا شمسی بودن آنها وجود ندارد؛ مگر برخی، که به قرائن دیگر مشخص‌اند. پس اگر خطایی در ترتیب تاریخی شان وجود دارد، از دست ما خارج بوده است.

و بخش سوم: نمونه‌هایی از خط عمومی در تقریر برخی کتابها در ایران می‌باشد
برای تنظیم این گاهشمار، تلاش فراوانی انجام و به منابع بسیاری مراجعه شد، ولی از آنجا که همیشه تاریخ، قرین با عدد و رقم می‌باشد؛ بنابراین حروفچینی و نمونه‌خوانی و تطبیق و تنظیم منتهای تاریخی بسیار مشکل است، و احتمالاً در تنظیم این مقاله، مرتکب خطاهایی نیز شده‌ام. بسیار مناسب است که خوانندگان فرهیخته و محترم، خطاهای آن را متذکر شوند.



قدرشناسی

به عنوان قدرشناسی از جناب آقای تویسرکانی، شرح حال مختصری از ایشان، در اینجا نقل می‌کنم:

پدرش شیخ محمد نبی (بن احمد) تویسرکانی در «رودآور» تویسرکان به دنیا آمد. سپس به اصفهان رفته نزد بزرگان و علماء اعلام آن سامان درس آموخت. سالها پس از سپری کردن دوران تحصیل و اخذ اجازه‌های متعدد فقهی و حدیثی از اساتید بزرگ^۱، دوباره به

زادگاه خود بازگشت و به ارشاد خلق و تدریس علوم دینی پرداخت. بعد از گذشت چند سال به تهران مهاجرت کرده و در آنجا سکونت اختیار نمود. علاوه بر گفتارهای حیاتبخش خود، به نوشتن و تألیف مفید نیز همواره می‌پرداخت.^۲ ثمره سالهای پایانی عمرش، کتاب مفید «الثالی الأخبار» بود.^۳ سرانجام در حدود سال ۱۳۲۲ قمری در شهر تهران بدرود حیات گفته و در جوار حضرت عبد العظیم حسنی (رض) در شهر ری به خاک سپرده شد.^۴

تاریخ تولد قاسم تویسرکانی مشخص نیست. در الذریعه، ذیل شرح حال پدرش، نوشته شده: ابوالقاسم توسرکانی، دوره‌ای در نجف مشغول تحصیل علوم

۱. اجازه نامهٔ مولا محمد جعفر آواده‌ای و مولا حسینعلی تویسرکانی و مولا عبد الرحیم اصفهانی و سید حبیب الله موسوی و شیخ زین العابدین هزار جریبی و حاج میرزا ابوالقاسم اصفهانی، و حاج ملا علی کنی و سید اسماعیل موسوی بهبهانی، و مولا محمود میثمی عراقی.

۲. پاره‌ای از آثارش را در زمان حیات به چاپ رسانید. «جامع المسائل» در فقه مرتضوی در چندین مجلد، «مقداریه» که بحثی فقهی در اوزان و مقادیر شرعی و عرفی است. «نهایه الأفكار» و «الرسالة الارشادية» و «الرضاع» و «لب المسائل» و «منازعة المحققین».

۳. سه مجلد رحلی، چاپ سنگی نخست کتاب، توسط مؤلف تصحیح شده است.

۴. یادمان تویسرکان: مقالات برتر دو همایش پیشینه و توانمندی تویسرکان، حسین انصاری.

اسلامی بود و قبل از وفات پدرش به طهران بازگشت. و مشغول به کار در برخی دوایر و ادارات دولتی شد.^۱

وی فارغ التحصیل رشته‌ی دکترای ادبیات دانشگاه تهران بود و در همین دانشگاه تدریس می‌کرد، که بسیاری از ادبای معاصر، از شاگردان وی می‌باشند. وی در اردیبهشت ۱۳۷۲، در تهران درگذشت.^۲ از وی کتابها و مقالاتی ادبی و تاریخی بر جای مانده است.

۱. «نامه‌های رشیدالدین وطواط» به تصحیح او در سلسله انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است.

۲. کتاب دیگر او «قواعد النحو و هی التدریس فی بعض الصفوف من کلیه المعقول و المنقول»، طهران ۱۳۳۵ ش، سربى نشریه ۲۸۴ دانشگاه، ۱۰۶ ص.

۳. «حکومت در مذهب شیعه»، طهران ۱۳۲۶ ش، چاپ سربى، ۶۶ ص.

۴. «سخن سعدی»، طهران ۱۳۱۸ ش، سربى ۸۳ ص.

۵. «عدد من بلغاء ایران فی لغت العرب و نخب من آثارهم»، طهران، ۱۳۳۶ ش سربى، نشریه ۴۰۲ دانشگاه، ۱۹۰ ص.

۶. قصیده راوندی در قضیه هجوم به کاشان، ترجمه قاسم تویسرکانی.

۷. تنی چند از سخنوران دولسانین، نشریه الدراسات الأدبیه، سال پنجم، ربیع ۱۹۶۲. و تنی چند از سخنوران دولسانین: شمس الکفاه أحمد بن حسن میمندی، نشریه الدراسات الأدبیه، سال پنجم، ربیع ۱۹۶۳.

۸. «زبان تازی در میان ایرانیان، پس از اسلام تا انتهای خلافت عباسیان»، انتشارات دانشسرای عالی، ۱۳۵۰ ش.

در پایان از سرکار خانم ابراهیمی که زحمت حروفچینی این کتاب را به عهده داشتند و جناب آقای روح الله صباحی و خانم بخشی که در غلط گیری آن یاریم کردند، بسیار متشکرم. کاظم استادی / ۱۳۹۱ / ۲ / ۱۲

۱. طبقات اعلام الشیعه، شیخ آغا بزرگ طهرانی، ج ۵، ص ۴۹۳، چاپ مجلس، تهران ۱۳۸۸.

۲. گلزار مشاهیر.



بخش اول

سیر تحول خط عربی در میان ایرانیان

از قرن اول تا انتهای خلافت عباسیان

قاسم توسرکانی

تلخیص و تصحیح

کاظم استادی

پیش‌گفتار بخش اول

نفوذ و رواج زبان عربی در میان ایرانیان پس از اسلام و نبوغ بسیاری از ایرانیان در زبان عرب، و در فرهنگ اسلامی که به زبان عرب درآمده است، چیزی نیست که از دیده کسی که اندک آشنایی به فرهنگ دوران اسلامی در یکی از دو زبان عربی و فارسی داشته باشد، نهان بماند. هر کس که درباره تاریخ ادبیات زبان عرب یا تاریخ فرهنگ ایران پس از اسلام بحث کرده، به وجهی به این مسئله اشارت کرده است، اما اهمیت مطلب اقتضا دارد که به وجهی مستقل و جداگانه در آن بررسی شود، آن هم به صورت:

- ۱- خدمتی که ایرانیان به فرهنگ اسلامی کرده و سهمی که در آن داشته‌اند.
 - ۲- اثری که زبان عربی در میان ایرانیان، در پدیده‌های گوناگون زندگانی از سیاست، علم، ادب، نوشته‌های رسمی و زبان فارسی نهاده است.
- رواج زبان عربی در میان ایرانیان، بویژه در آمیختگی آن با زبان فارسی که در اندک مدتی پس از برافتادن شاهنشاهی ساسانیان به دست اعراب آغاز گشته، هنوز هم از میان نرفته است. اما روزگاری دراز این زبان، زبان دین و دانش و ادب و دولت می‌بود، تا با برافتادن خلافت اسلامی بغداد این وضع تغییر پذیرفت، هر چند یکسره از میان نرفت. ما اکنون بحث خود را در این کتاب به همان دوران شش سد و پنجاه و شش ساله و اندکی پس از آن که دنباله آن است، محدود می‌سازیم.
- برای نمایاندن چگونگی نفوذ و رواج خط عربی در میان ایرانیان، از سقوط ساسانیان تا سقوط خلافت بغداد را به دو قسمت و هر قسمت را به دو دوران

جداگانه تقسیم کرده‌ایم :

فصل اول: از سقوط ساسانیان (۲۱ق) تا آغاز فرمانروایان مستقل ایرانی (۲۵۹ق)

دوره یکم: از سقوط ساسانیان (۲۱ق) تا سقوط امویان (۱۳۲ق)

دوره دوم: از خلافت عباسیان (۱۳۲ق) تا فرمانروایان مستقل ایرانی (۲۵۹ق)

فصل دوم: دوران حکومت‌های مستقل ایرانی (۲۵۹ هـ ق تا ۶۵۶ هـ ق)

دوره یکم: از صفاریان (۲۵۹ق) تا آغاز سلجوقیان (۴۳۱ق)

دوره دوم: از سلجوقیان (۴۳۱ق) تا سقوط خلافت بغداد (۶۵۶ق)

اما این تقسیم که برحسب دگرگونی‌های سیاسی در این کشور شده، از لحاظ موضوع این کتاب، مانند هر کتابی دیگر که درباره تاریخ ادب و فرهنگ و وضع اجتماعی ملتی نوشته شود، نه دقیق است و نه کامل؛ دقیق نیست زیرا دوره‌های تاریخ ادب ایران (که موضوع این نوشتار رشته‌یی از آن است) با دوره‌های سیاسی که با آغاز فرمانروایی سلسله‌های پادشاهان آغاز می‌گردد و با پایان یافتن روزگار ایشان پایان می‌یابد، مطابقت کامل ندارد، و چنان نیست که به مثل در همان سال (۲۱ ق) که جنگ نهاوند به نام (فَتْحُ الْفُتُوح) بازمانده سپاهیان ایران را از پای درآورد، یا سال (۳۱ ق) که یزدگرد در مرو به دست آسیابانی کشته شد و روزگار ساسانیان به سر آمد، زبان و خط پهلوی ناگهان در میان ایرانیان فراموش شده، و پس از دو قرن و نیم، فارسی دری با نخستین شعر محمد بن وصیف در سال (۳۵۳ق) یک‌باره بدان صورت که یاد خواهد شد، آغاز گشته باشد. هرچند که تغییر حکومت می‌تواند نقش بسیار زیادی در این موضوع داشته باشد.

نیز این تقسیم کامل نیست زیرا، در هر یک از این دورانه‌ها، بویژه در دورانه‌های نخستین و دومین، وضع زبان و فرهنگ ایرانیان، چه در ایران و چه در دیگر سرزمین‌های اسلامی، همه جا یکسان نبوده، بلکه در هر جا وضعی خاص داشته است. از اینرو، در این نوشتار کوشیده‌ایم که به هنگام بحث درباره رواج خط عربی در میان ایرانیان در هر دوران، چگونگی آن را در دربار و در قلمرو هر یک از سلسله‌های شهریاران ایرانی، در هر یک از سرزمین‌های ایران یا بیرون از آن، جدا جدا بررسی کنیم.



فصل اول

از سقوط ساسانیان (۲۱ ق)

تا آغاز فرمانروایان مستقل ایرانی (۲۵۹ ق)

دوره یکم :

از سقوط ساسانیان (۲۱ ق) تا سقوط امویان (۱۳۲ ق)

دوره دوم :

از خلافت عباسیان (۱۳۲ ق) تا فرمانروایان مستقل ایرانی (۲۵۹ ق)

مقدمه فصل اول

پس از برافتادن شاهنشاهی ایران به دست سپاهیان عربی، در مدتی کوتاه، بیشتر سرزمینهای ایران به دست اعراب افتاد، و تا پایان این دوران سراسر ایران زیر فرمان دولت اسلامی درآمد.

گذشته از سپاهیان عربی، در همه این مدت، همواره عربهای غیر سپاهی نیز، قبیله قبیله، به ایران آمده در سرزمینهای آباد این کشور نشیمن می‌گزیدند.

خلیفگان اموی و سرداران عربی‌نژاد آنان تا می‌توانستند دست ایرانیان را از کارهای سیاسی و سپاهیگری کوتاه می‌داشتند. اگر چه پس از برقراری خلافت عباسیان دست ایرانیان تا اندازه‌یی در سیاست باز شد، باز خلیفگان عباسی جز به ناچار به آن راضی نمی‌شدند، و به ایرانیان چندان اعتماد نداشتند.

اما از آن سو، مردم ایران که با ایشان سر و کار پیدا کرده بودند، می‌بایستی زبان عربی را به نسبت برخوردهایی که با ایشان داشتند، فرا گیرند.

اعراب، به ویژه در سده اول، از آموختن دانش و فرهنگ، ننگ می‌داشتند، دینداران ایشان جز از بر داشتن آیه‌های قرآن و حدیثهای نبوی را، ارجی نمی‌نهادند، و خلیفگان و سرداران ایشان جز شعر و موسیقی را خریدار نبودند.

مردم ایران در مدتی کوتاه آیین اسلام را پذیرفتند، از این رو نیز برای دست یافتن بر سرچشمه‌های این دین که قرآن و حدیث و تاریخ اسلام بود، خود را به آموختن زبان عربی نیازمند می‌دیدند.

چون از آغاز خلافت عباسیان فرهنگ عظیم اسلام آغاز گشت، ایرانیان که خود

پیشاهنگان این فرهنگ بودند، با همان زبان عربی در این راه پیش رفتند، و خود از راه تجربه در گسترش فرهنگ زبان عربی پیشقدم شدند.

نتیجه این پدیده‌ها و دگرگونی‌ها این شد که پس از پیروزی اعراب و برافتادن پادشاهی ساسانیان، زبان و خط پهلوی که از آن پیش در ایران، زبان دین و سیاست و فرهنگ بود، در زمانی کوتاه در همه این زمینه‌ها جای خود را به زبان و خط عربی داده خود به صورت زبان و خط مذهبی اقلیت زردشتیان درآمدند.

با اینکه زبان عربی زبان رسمی مذهب، سیاست و فرهنگ مردم ایران گشت و حتی بیشتر مردم ایران نام و لقب و کنیت خود را از آن زبان می‌گرفتند، در گفتگو هنوز لهجه‌های گوناگون فارسی در سرزمینهای ایران به کار بود، اما در این مدت، رفته رفته، زبان عربی چندان با فارسی پیوند خورده بود که هنگامی که در میانه سده سوم زبان فارسی به صورت زبان ادبی شگفته شد، دو رنگ و آمیخته از فارسی و عربی پدیدار گشت.

این نوشتار به بررسی خط در آن دوران می‌پردازد، اما نکته مهم که توجه به آن بسیار ضروری است، اینکه؛ مکتوبات به جای مانده از قسمت نخست این دوران بسیار محدود می‌باشد و همانگونه که می‌دانید بیشتر مکتوبات موجود از سده سوم هجری به این طرف، می‌باشند. بنابراین به دلیل نبود یا کمبود اسناد مکتوب از سالهای آغازین این دوران، ناگزیریم به برخی نوشته‌های موجود بر سکه‌ها و یا نقل قولها و نوشته‌های بعدی که پیرامون آن زمان نوشته شده‌اند بسنده و استناد کنیم.

پس، خود به این محدودیت بررسی و نقص آن خوب واقفیم اما تا حد مقدور گوشه‌های از تغییر و تحولات خط در این دوران را در مسیر دید شما قرار می‌دهیم. اما در دوران حکومت‌های مستقل ایرانی از وضعیت بهترین در اسناد برخورداریم، بنابراین مطالب بیشتری عرضه شده است که امید می‌رود مورد توجه علاقمندان قرار گیرد.